

# بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی (تحلیل اخلاق اجتماعی از دوره صفویه تا پایان دولت دهم جمهوری اسلامی)

دکتر عادل ابراهیمی لویه<sup>۱</sup>، امیر عیسی‌ملکی<sup>۲</sup>

## چکیده

این مقاله یافته‌های پژوهشی را گزارش می‌کند که در آن، با رجوع به اسناد و مدارک تاریخی و به روش تفهیمی - تبیینی ماکس وبر، با تأمل و تعمق در تاریخ اجتماعی ایران، در پی یک ایده نظری بوده‌ایم تا تضعیف اخلاق اجتماعی و همچنین وفاق اجتماعی را در برهه‌های مختلف تاریخ اجتماعی ایران توجیه کند. روش تحقیق با رویکردی کیفی از روش‌های توافق و اختلاف جان استوارت میل استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از یک فصل بی‌سابقه یا کم‌نظیر در تاریخ اجتماعی ایران است که در آن مراعات اخلاق اجتماعی و به‌طور کلی وفاق اجتماعی به‌گونه‌ای پدید آمده که از نظرگاه‌های متعدد و متفاوتی تحسین شده است. این دوران که مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (۱۳۶۷ - ۱۳۵۷ ه. ش) است، به‌طرز قابل ملاحظه‌ای با قبل و بعد از آن از حیث مراعات

---

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی موسسه آموزش عالی البرز قزوین (نویسنده مسئول) [ebrahimi.louyeh@gmail.com](mailto:ebrahimi.louyeh@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی [amir.esamalaki@gmail.com](mailto:amir.esamalaki@gmail.com)

اخلاق اجتماعی متفاوت است. یافته‌ها نشان می‌دهد، علت تضعیف اخلاق اجتماعی در سایر ادوار تاریخ اجتماعی ایران، تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی است و میان تضعیف اخلاق اجتماعی و تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی یک رابطه دوسویه و دیالکتیکی وجود دارد.

### واژه‌های کلیدی:

اخلاق اجتماعی، اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی، تاریخ اجتماعی ایران، ماکس وبر

## مقدمه

انسان را حیوان اخلاقی<sup>۱</sup> می‌نامند. به این معنا که انسان‌ها می‌کوشند اعمال و رفتار خود را طوری توجیه و تفسیر کنند تا توضیح دهند منش، روش و کنش‌هایی که برای دستیابی به اهداف خود برمی‌گزینند، درست و برحق هستند. انسان قربةً الی‌الله شکنجه می‌کند، برای حفظ حریم آزادی طلاق می‌گیرد، برای تحقق اهداف متعالی دروغ می‌گوید، سرقت می‌کند، اهانت می‌کند و ... همین انسان گاهی نیز پیش و بیش از آن که دل‌بسته منافع خود باشد، دل‌نگران آرامش و آسایش دیگران است و برای این منظور از زمان، توان و تومانی و حتی جان خود مایه می‌گذارد. در این پژوهش، با بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی، در پی فهم و ادراک چرایی و تحلیل و تبیین بحران‌های اخلاقی و همچنین دستاوردهای قابل‌توسین اخلاقی هستیم؛ برای این منظور بر ریشه‌ها و روندهایی که در ادوار مختلف تاریخ اجتماعی ایران منجر به مراعات اخلاق اجتماعی یا تضعیف اخلاق اجتماعی شده‌اند، متمرکز شده‌ایم.

## بیان مسئله

فریاد وا اخلاقاً! و اعتراض به تضعیف اخلاق اجتماعی در قریب به اتفاق تاریخ اجتماعی ایران از نظرگاه‌های متعددی بیان شده است. در گفت‌وگوی مردم کوچه و بازار و نیز در بسیاری از آثار

---

1. Moral Animal

شرق‌شناختی و ایران‌شناختی و حتی آثاری که خود ایرانیان نگاشته‌اند، گزاره‌هایی وجود دارد که در آنها دربارهٔ روحیات و خلیقات ایرانی سخن گفته می‌شود؛ مثلاً می‌گویند: ایرانی‌ها زیاد دروغ می‌گویند؛ کم کار می‌کنند؛ فعالیت مشترک جمعی و گروهی در بین آنها ضعیف است؛ دورویی در میان‌شان رواج دارد؛ احساسات‌شان بر خردورزی چیره می‌شود؛ خودمدارند و به‌سختی می‌توانند توافق‌های پایدار انجام دهند. اینها نمونه‌ای از گزاره‌هایی است که در کتاب‌ها و همین‌طور بین مردم کوچه و بازار، در میهمانی‌ها، دید و بازدیدها و ... به چشم می‌آید (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۳). متأسفانه شواهد زیادی در جامعه نشان دهنده ی تضعیف اخلاق اجتماعی است و حجم وسیعی از ناهنجاری‌های اخلاقی موجب آندوه و درد و رنج شده و هیچ روزی نیست که در مطبوعات و رسانه‌ها انعکاسی از بداخلاقی و ناسازگاری مردمان کشور دیده و خواننده نشود.

بنابراین سؤال اساسی این تحقیق این است که: چرا نوعی از زندگی اخلاقی و وفاق اجتماعی که در دوران دفاع مقدس پدید آمد، در سایر ادوار تاریخ اجتماعی ایران - قبل و بعد از آن - بی‌سابقه یا دست‌کم کم‌نظیر بوده است؟ و به‌طور کلی عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی، چه عواملی هستند؟

## اهداف پژوهش

در این پژوهش با مراجعه به اسناد و مدارک تاریخی از جمله: سفرنامه‌ها و تاریخ‌نویسی‌های رسمی و غیر رسمی و مذاقه در تحلیل‌های تاریخی و تحقیقات انجام‌شده دربارهٔ تاریخ اجتماعی ایران، قصد داریم به یک چهارچوب مفهومی و ایده‌نظری دست یابیم که به پرسش اساسی تحقیق پاسخ دهد. البته بررسی صحت و سقم همین پرسش نیز از اهداف این مطالعه است که به شیوهٔ تطبیقی - تاریخی و با مطالعه عمیق پنج دوره از تاریخ اجتماعی ایران در اسناد تاریخی، زندگی‌نامه‌ها، خاطرات، سفرنامه‌ها، داده‌های آماری و با رجوع به کتاب‌ها، مجلات، مقالات علمی و پژوهشی، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و ... پیگیری می‌شود.

## تعاریف و مختصات اصطلاحات تحقیق

### الف) مراعات اخلاق اجتماعی / زندگی اخلاقی

مراد از اخلاق و مراعات اخلاق اجتماعی، وجه مشترک همهٔ مکاتب و تفکرات اخلاقی موجود در تاریخ بشریت است که به نوعی عامل وحدت‌بخش انسان‌هایی است که دارای تفکر و اندیشه‌های

مختلف هستند (ملکیان، ۱۳۹۳). بنابراین وقتی صحبت از اخلاق اجتماعی می‌کنیم، برای استفهام این معنا، هرگز وارد جزئیات چالشی مرتبط با نسبی‌نگری فرهنگی، شخصی‌انگاری اخلاقی و ... در حوزه فلسفه اخلاق نمی‌شویم و فارغ از هر تاریخ و جغرافیای مشخص، وفاق اجتماعی را در روابط انسان‌ها، نهادها و همچنین محصول کار آنها، شهرها، دولت‌ها، اشکال مختلف خانواده، شرایط کار در مزارع و ... مراد می‌کنیم؛ بر همین اساس، برای مثال، رعایت نکردن فرمان قطعی «دروغ نگو» و ارزش‌های اخلاقی صداقت، درستکاری، مسئولیت‌سناسی، تعهد و ... را - به‌رغم فراگیری، پذیرش آگاهانه و وفاق کامل درباره آنها - نشان‌گر تضعیف اخلاق اجتماعی می‌دانیم (چلبی، ۱۳۹۰).

مراعات اخلاق اجتماعی و زندگی اخلاقی به معنای پرهیز از خودپرستی، خودپسندی و تحمیل درد و رنج غیر ضرور به دیگرانی است که درون حوزه شخصی، خانوادگی، قبیله‌ای و ... ما حضور ندارند و به‌اصطلاح رایج و عمومی، «خودی» محسوب نمی‌شوند. در واقع، صورت قابل مشاهده مفهوم تضعیف اخلاق اجتماعی در این پژوهش، همان گفتار و کرداری است که در مواجهه با آن، فریاد و اخلاقاً به عنوان واکنش طبیعی از هر مخاطبی سر می‌زند.

## ب) تمرکز اقتدار سیاسی

منظور از تمرکز اقتدار سیاسی، وضعیتی است که در آن، ساخت قدرت سیاسی یا حاکمیت در جامعه همراه با اجبار، یک‌جانبه و بدون خواست و مشارکت اختیاری نیروهای سازمان‌یافته اجتماعی یا عموم مردم است و حکومت به معنای مجموعه امکانات، توانایی‌ها و ابزارهایی که هر گروهی طبعاً می‌کوشد سهم خود را از آن افزایش دهد (بشیریه، ۱۳۸۸: ۹۷)، به‌طور سنتی یا سازمان‌یافته در اختیار گروه، قبیله، خاندان، طبقه یا جناح خاصی است.

از سویی دیگر، این وضعیتی است که در آن امکان پیدایش قدرت متشکل از اراده مردم در مقابل یا کنار حاکمیت وجود ندارد. چیزی که در مطالعات ماکس وبر تأکید آن بر شکل‌گیری جامعه مدنی ۲ و در پی آن پیدایش زمینه‌های دموکراسی ۳ است (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

در شرایط تمرکز اقتدار سیاسی، حاکمیت با تسلط بر مسند قضاوت و سایر نهادهای اجتماعی و با توسل به خشونت، مشروعیتی غیر قابل نقد فراهم می‌کند و با سازماندهی افکار عمومی به شیوه‌های مختلف از جمله تطمیع و تهدید، بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در همه شئون اجتماعی تأثیرگذار

---

1 . Max Weber

2 . Civil Society

3 . Democracy

است. سرنوشت غم‌انگیز منتقدان و مخالفان حاکمیت با اعدام، زندان، انزوا، فقر و ... از نمودهای تمرکز اقتدار سیاسی است.

### ج) تمرکز اقتدار اقتصادی

اقتصاد چیزی بیش از مجموعه عوامل تولید، منافع مادی و عقلانیت ابزاری تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. در مباحث اقتصادی، باید عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز ملحوظ داشت. قانون‌مندی‌های اقتصادی وابسته به میزان نظم اقتصادی است. و نظم اقتصادی نیز به نوبه خود تابع میزان نهادینه شدن اقتصاد در جامعه است. میزان نهادینه شدن اقتصاد نیز بستگی به یکپارچگی، شفافیت، جامعیت و درک و تعهد مشترک نسبت به نقش‌های عمده اقتصادی دارد (چلبی، ۱۳۹۱: ۹۰). مراد از تمرکز اقتدار اقتصادی، فقدان ساز و کار رقابتی و کارا در امر اقتصاد است. وضعیتی که در آن نهاد حکومت، بزرگترین نهاد اقتصادی است، یا اقتصاد تحت کنترل نهادهای نظامی است و یا ساز و کار اقتصادی جامعه به گونه‌ای است که موفقیت در عرصه‌های اقتصادی پیش‌تر و بیشتر از این‌که محصول تلاش، نوآوری و خلاقیت باشد، نیازمند نزدیکی به نهاد سیاست است. وضعیتی که در آن فعالان اقتصادی در بازرگانی، صنعت، تجارت و ... برای پیشبرد منافع و فعالیت‌های اقتصادی باید به نحوی مجیزگو، تابع و ابزار عندالمطالبه و عندالزوم حاکمیت باشند. محصول این وحدت، نظام ناعادلانه تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی است. همچنین در شرایط تمرکز اقتدار اقتصادی، حقوق مالکیت، محترم و مرسوم نیست. حقوق مالکیت ابزاری هستند که جامعه به خدمت می‌گیرد تا به افراد کمک کند منطقی‌اً آن انتظاراتی را که در ارتباطش با دیگران داشته باشد، شکل دهد؛ این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و دیگر ویژگی‌های جامعه بیان می‌شود. (رنانی، ۱۳۸۴ به نقل از رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ۳۶۳). از نمودهای تمرکز اقتدار اقتصادی، توان حاکمیت برای تضعیف مالی اشخاص و گروه‌های منتقد و مخالف است که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم اعمال و از این وسیله برای سرکوب استفاده می‌کند.

### د) تمرکز اقتدار مذهبی

جامعه‌شناسان مذهب را یکی از نهادهای جهانی می‌دانند و آثار آن را روی افراد، گروه‌ها و به‌طور کلی جامعه مطالعه می‌کنند (نوربخش، ۱۳۸۴: ۱۶۱). منظور از تمرکز اقتدار مذهبی، وضعیتی است که در آن نمایندگان قرائت رسمی از مذهب رسمی و پیروان آنها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، اعیاد، مناسک و شعائر انسانی‌هایی را که دین و ایمان دیگری دارند، ارج نمی‌نهند و بیرون از دایره مروت و

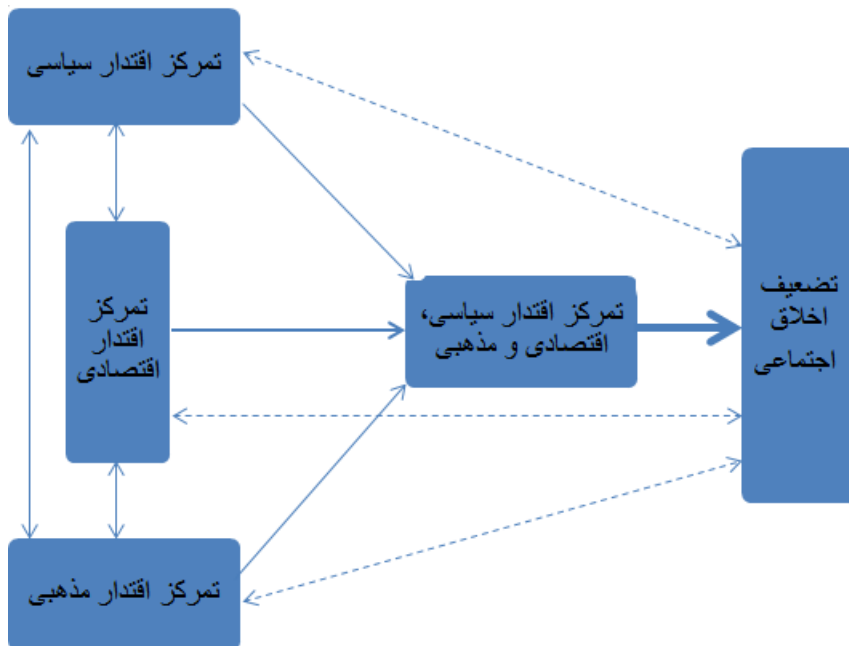
مدارا، پیش‌داوری، بی‌اعتمادی و تصورات خصمانه‌ای را دربارهٔ آنها تبلیغ و ترویج می‌کنند. در این وضعیت، پیروان قرائت رسمی و رایج از مذهب رسمی، با توسل به بنیادگرایی<sup>۱</sup> یعنی اظهار سرسپردگی و اعتقاد راسخ به اصول یا عقاید مبتنی بر تفسیر لفظی و ظاهری متون و منابع دینی، نتایج حاصل از چنین برداشتی را در همهٔ شئون و جنبه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی لازم‌الاجرا می‌دانند. در این وضعیت، نفوذ مذهب مبتنی بر قدرت اخلاقی و ناشی از احترام حقیقی وجدان‌های عمومی نسبت به آن نیست، بلکه استیلای آن ناشی از سلطهٔ پیروان آن قرائت مذهبی در جامعه است.

## چهارچوب مفهومی<sup>۲</sup>

با توجه به راهبرد استفهامی و رویکرد تفهمی و اکتشافی در این پژوهش، مفاهیم اساسی، ایده‌ها و عناصر در این تحقیق، طبق یک چهارچوب مفهومی مبتنی بر نظریهٔ زمینه‌ای<sup>۳</sup> تنظیم، تبیین و مرتبط می‌شوند. در این پژوهش کیفی که در آن با مطالعهٔ تطبیقی - تاریخی در ادوار تاریخ اجتماعی ایران، به دنبال فهم و ادراک شرایط و عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی هستیم، از نظریهٔ زمینه‌ای جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده استفاده کرده‌ایم. این نظریه یکی از راهبردهای اجرای پژوهش کیفی است که بنا بر آن، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به جای این که مطالعهٔ خود را با نظریهٔ از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزهٔ مطالعاتی خاص شروع کرده، اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود (اشتراوس<sup>۴</sup> و کوربین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸: ۱۲ به نقل از حریری، ۱۳۸۵: ۱۰۹). بنا بر مطالعات این تحقیق، به تأسی از روش تفسیری وبر و کاربرد ابزار مفهومی نوع آرمانی<sup>۶</sup> (که در بخش روش‌شناسی توضیح و تشریح خواهد شد)، مدل تحلیلی زیر برای چهارچوب مفهومی این پژوهش انتخاب شده است.

- 
1. Fundamentalism
  2. Conceptual Framework
  3. Grounded Theory
  4. A. Strauss
  5. J. Corbin
  6. Ideal Type

## مدل تحلیل نظری



### نمودار ۱: مدل تحلیلی برای تبیین عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی

نمودار ۱ چهارچوبی است که تأثیر تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی را بر تضعیف اخلاق اجتماعی نشان می‌دهد. بر اساس این مدل تحلیلی، تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی به‌طور مستقیم منجر به تضعیف اخلاق اجتماعی می‌شود. بنابراین مدل، این احتمال وجود دارد که متغیرهای تمرکز اقتدار سیاسی، تمرکز اقتدار اقتصادی و تمرکز اقتدار مذهبی نیز به‌تنهایی، با شدتی کمتر موجب تضعیف اخلاق اجتماعی شوند و این متغیرها هر یک به نوعی موجد و علت سایر انواع اقتدار و در نهایت تمرکز آنها هستند. بنا بر این مدل و مطابق با اصل علیت متقابل در جامعه‌شناسی، رابطه تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی با تضعیف اخلاق اجتماعی یک رابطه دوسویه و دیالکتیکی است؛ به این معنا که تضعیف اخلاق اجتماعی نیز می‌تواند منجر به تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار مذهبی و اقتدار اقتصادی شود. در این تحقیق جهت و شدت این رابطه را در پنج دوره از ادوار تاریخ اجتماعی ایران بررسی خواهیم کرد.



## فرضیه تحقیق

مطالعه اجمالی تاریخ اجتماعی ایران نشان می‌دهد، تضعیف اخلاق اجتماعی در دوران‌های مختلف همراه با نوعی از تمرکز در اقتدار حاکمیت است که همه شئون اجتماعی را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر، نوع نظام سیاسی، فقر و ثروت، تسلط تفکر فلسفی و یا فقهی، مشارکت مدنی یا تزوی، شادی، تفریح و سرگرمی، تسامح و رواداری عقیدتی و مذهبی و احساس امنیت اجتماعی که در ابتدا به نظر می‌رسید در تقویت و یا تضعیف اخلاق اجتماعی مؤثرند، خود در ابتدا مولود شرایط و وضعیت خاصی هستند که به شرح زیر است:

تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی در یک جا و به‌طور همزمان (صرف نظر از نوع و رویکرد ایدئولوژی سیاسی، مذهبی و اقتصادی) شرایطی را در جامعه به وجود می‌آورد که موجب انحطاط و تضعیف اخلاق اجتماعی می‌شود. به عبارت دیگر، ناکامی هم‌زمان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی باعث بروز رفتارهای غیر اخلاقی و در نهایت باعث تضعیف اخلاق اجتماعی می‌شود. به بیان دیگر، وقتی گروهی از مردم در جامعه به‌طور هم‌زمان از جانب نهادهای سیاسی، اقتصادی و مذهبی مورد حمله قرار می‌گیرند و طرد می‌شوند، احتمال واکنش‌های غیر اخلاقی در میان آنها و در میان کل جامعه بیشتر می‌شود.

## روش تحقیق<sup>۱</sup>

رویکرد پژوهش در بررسی عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی، در این تحقیق، کیفی است. پژوهشگر کیفی لزوماً دغدغه تأیید فرضیه‌های از پیش تعیین‌شده را ندارد و این امر رسیدن به یافته‌های پیش‌بینی‌نشده را مهیا و ممکن می‌سازد. پژوهشگران کیفی مسیری غیرخطی را طی کرده و به واسطه جزئیات یک وضعیت اجتماعی یا یک زمینه فرهنگی - اجتماعی خاص، بر معناکاوی تأکید دارند. آنها از رویه‌های استاندارد یا گام‌های مشخص اندکی استفاده می‌کنند و اغلب، فنون فی‌المجلسی را برای یک وضعیت یا مطالعه تدبیر می‌کنند. زبان مبتنی بر موردها و زمینه‌های آنان، آنها را به سوی انجام بررسی‌های تفصیلی موردها یا فرایندهای خاص، در جریان جست‌وجوی‌شان برای اصالت، رهنمون می‌سازد (نیومن ۲، ۱۳۹۲: ۳۷۸).

---

1 . Research Method

2 . William Lawrence Neuman

روش تطبیقی - تاریخی در این پژوهش مبتنی بر روش‌شناسی ترکیب‌گرایانه‌ای است که در آن تفسیر تاریخی و تبیین قانونی هم‌زمان حضور دارند؛ تا به این ترتیب، عمق رویکرد تفسیری و دقت رویکرد تبیین قانونی که دغدغه اصلی در بررسی عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی است، راستی‌آزمایی نتایج حاصل از پژوهش را در مقایسه با نظرگاه‌های مختلف جامعه‌شناختی و سایر تحقیقات در این خصوص، ممکن و تسهیل کند. برای این منظور، ابتدا تفسیر تاریخی چگونگی و فراز و فرود اخلاق اجتماعی در هر یک از دوره‌های مورد نظر در این پژوهش به عنوان فرایندی زمینه‌مند و زمانه‌مند تحلیل می‌شود، سپس روش‌های مقایسه‌ای جان استوارت میل یعنی روش توافق و اختلاف به عنوان منطق استنباط‌های علی یا تبیین‌های قانونی برای بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های ادوار تاریخی مذکور به کار می‌رود.

## روش جمع‌آوری و تنسيق اطلاعات

روش جمع‌آوری اطلاعات، مراجعه به اسناد و مدارک تاریخی، تحلیل‌های تاریخی و تحقیقات انجام‌شده درخصوص پنج دوره از ادوار تاریخ اجتماعی ایران است. پیرو رویکرد پژوهشی تطبیقی - تاریخی در این تحقیق با مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و اسنادی و با ابزار گردآوری «فیش»، سعی کردیم اطلاعات لازم را تجمیع و تنسيق کنیم. بنابراین جامعه آماری در این پژوهش، کتابها، مجلات، مقالات علمی و پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها هستند؛ که با رجوع به آنها اسناد تاریخی، زندگی‌نامه‌ها، خاطرات، سفرنامه‌ها، داده‌های آماری (با علم به این‌که اصالت یک تحقیق اسنادی به منابع حائز اهمیتی است که از آنان استفاده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۲۶۰)) برای استفاده از منابع بیرونی و به‌اصطلاح داده‌های دست دوم مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند.

با توجه به ماهیت پژوهش، واحد مشاهده همان اسناد و متون تاریخی هستند و در بررسی آثار شاهدان عینی رویدادها (به‌ویژه سفرنامه‌ها) و توصیف و تفسیرهای تاریخی (در تاریخ‌نویسی‌های رسمی و غیر رسمی) در صورت کمترین ظن درخصوص ضعف روایات و نقل رویدادها به سایر منابع برای تشخیص صحت و سقم آنها رجوع شده و گزارش آنها نقل شده است.

## شیوه نمونه‌گیری

بر خلاف پژوهش‌های کمی که در آنها فنون مختلف نمونه‌گیری احتمالی ۱ برای انتخاب نماینده واقعی و معرف جامعه مورد مطالعه استفاده می‌شوند، در پژوهش‌های کیفی برای مطالعه عمیق نمونه‌هایی که تأمین‌کننده اطلاعات وسیع در زمینه مورد مطالعه هستند، از نمونه‌گیری هدفمند ۲ که جریانی مفهوم - مدار است، استفاده می‌شود. به این معنا که در انتخاب نمونه، علاوه بر چهارچوب نظری مبتنی بر بنیان اصلی مسئله پژوهش، نظریه‌ای که در جریان پژوهش به‌طور استقرایی از داده استنتاج می‌شود نیز مد نظر قرار می‌گیرد. یعنی نمونه‌ها لزوماً از پیش تعیین‌شده نیستند و تدریجاً در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها انتخاب می‌شوند. (ماکسول ۳، ۱۹۹۶: ۷۰ به نقل از حریری، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

در این پژوهش برای سنجش تأثیر تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی در تضعیف اخلاق اجتماعی، پنج دوره از ادوار تاریخ اجتماعی ایران، با شیوه نمونه‌گیری از موارد همگون ۴ به عنوان یکی از شیوه‌های راهبرد نمونه‌گیری هدفمند ۵ انتخاب شده است. نمونه‌گیری از موارد همگون یعنی انتخاب هدفمند مواردی که از نظر ویژگی‌های مورد بررسی، همگون بوده و در حد امکان از تنوع کمتری برخوردار باشند (حریری، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

در نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی ۶ پژوهشگر هرگز نمی‌داند که موردهای انتخاب‌شده، معرف جامعه هستند یا خیر، این شیوه از نمونه‌گیری در پژوهش اکتشافی یا در پژوهش میدانی به کار گرفته می‌شود (نیومن، ۱۳۹۲: ۴۶۶). از جمله وضعیت‌های مناسب برای نمونه‌گیری هدفمند وقتی است که پژوهشگر می‌خواهد انواع خاصی ۷ از موردها را بررسی عمیق، شناسایی و انتخاب کند. هدف اصلی در این جا تعمیم دادن نتایج به جامعه بزرگ‌تر نیست، بلکه رسیدن به فهمی عمیق از موردهاست. به این ترتیب ادوار تاریخی‌ای که در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند، به شرح زیر است:

۱. نمونه آرمانی: دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس (۱۳۶۷ - ۱۳۵۷ ه. ش)

۲. دوران سلطنت شاه اسماعیل اول (۹۳۰ - ۹۰۷ ه. ق)

۳. دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ه. ق)

- 
1. Probability Sampling
  2. Purposeful Sampling
  3. Joseph Maxwell
  4. Homogeneous Sampling
  5. Purposeful Sampling
  6. Judgmental Sampling
  7. Particular Types

۴. دوران سلطنت رضاشاه پهلوی (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ ه. ش)

۵. دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴ ه. ش)

دربارهٔ واحد تحلیل، ذکر این نکته ضروری است که در علوم اجتماعی تطبیقی باید میان واحدهای تبیین و واحد مشاهده تمایز قائل شد. واحد مشاهده برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود و واحد تبیین برای تبیین الگوی مشاهده‌شده به کار گرفته می‌شود (فاضلی، ۱۳۹۲: ۹). به این ترتیب همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، واحد مشاهده در این پژوهش، اسناد و متون تاریخی و واحد تحلیل، دوره‌های زمانی هستند.

### منطق انتخاب پنج دورهٔ زمانی در این تحقیق

نمونهٔ آرمانی: دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس (۱۳۶۷ - ۱۳۵۷ ه. ش)

در نخستین گام‌های این تحقیق در بررسی عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی، با انتقادهای تند و تلخی به خلق و خو و عادات و رسوم ایرانیان مواجه می‌شویم. انتقادهایی که گاه به سمت توهین و فحاشی میل می‌کنند. گفته می‌شود: «ایرانیان بسیار مخفی‌کار و متقلب و بزرگ‌ترین متملقین عالم هستند و در دناوت و وقاحت هم بی‌همتا می‌باشند. به‌غایت دروغگو هستند و کارشان همه پرگویی و قسم و آیه است و برای اندک نفعی حاضرند به دروغ شهادت بدهند» (شاردن ۱ به نقل از جمال‌زاده، ۱۳۴۵: ۷۹). تمام زنان ایرانی به‌خصوص زنان ... تردامنانند ... در این شهر مکان عمومی و مکتب پیروان لوط [مخنث‌خانه] وجود دارد (کاترینو زنو ۲ و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۸۶). یکی از خصال ایرانیان، کتمان حقیقت است. زندگی مردم تهران از صبح تا شام عبارت از دروغ‌گفتن و یکدیگر را گول زدن و کلاه گذاشتن و تلاش بی‌ملاحظه برای پول درآوردن و پیش رفتن و پامال کردن و عقب زدن دیگران است (ترولر ۳ به نقل از راوندی، ۱۳۶۳، جلد ششم، بخش اول: ۱۶۹).

این قبیل روایات تنها مربوط به ناظر بیرونی نیست. نظرگاه ایرانیان نیز دربارهٔ خود بی‌تندی و تلخی نبوده است. میرزا عبدالحسین معروف به میرزا آقا خان کرمانی در کتاب «سی مقاله» دربارهٔ هم‌وطنان می‌نویسد: «کمتر کسی از اهالی ایران است که میرغصبی نداند یا ستم و تعدی نداند و ظلم و بی‌انصافی نپرورد و تمام سکنهٔ آن ویران و خرابه از طبقهٔ حکما و حکام و وزرا گرفته تا حمال و بقال

همه ستمگر و بی‌مروت و همه خونخوار و بی‌رحمت و همه فریاد دارند که چرا ما میرغضب‌باشی نیستیم و همه می‌خواهند منفرد و حاکم مستبد و جلا‌دبازی باشند (جمال‌زاده، ۱۳۴۵: ۱۴۰ - ۱۳۹).

سخن از دروغ‌گویی، کم‌کاری، دورویی، خودمداری و رفتارهای غیرعقلایی نیز فقط مربوط به دیروز و پریروز تاریخ اجتماعی ایران نیست. محقق و پژوهشگر امروزی نیز می‌پرسد: «راستی چرا در جامعه ما دروغ‌گویی به‌سرعت در حال گسترش است؟ ... راستی چرا حاضریم برای نشان دادن و به رخ کشیدن خطای دیگران، خودمان هم کار غیراخلاقی بکنیم؟» (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ۱۷ - ۱۶).

روحیات و مجموعه عملکرد مردم ایران پس از انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس (جنگ ایران و عراق) به انحاء گوناگون تشویق و تحسین شده است: «در این دوران تعاون و همکاری در کارها، حفظ وحدت ملی در رویارویی با تضادها و تعارض‌های داخلی، انتقال تجربه‌ها بدون چشم‌داشت، میهن‌پرستی، کمک‌های مالی و جانی در دفاع از انسجام ملی، روانی و فرهنگی ایرانیان صرف‌نظر از هر دین و قومی حکایت دارد» (عابدی، ۱۳۹۳: ۱۵۴). اعتماد که یکی از شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی است، می‌توان گفت در دهه اول انقلاب از حالت درون‌گرومی بودن به صورت برون‌گرومی در آمد و از سطح خانواده‌ها به سطح بالاتر یعنی خویشاوندان، دوستان، همکاران، همسایگان، هم‌محلّه‌ها، همشهریان و هم‌وطنان صعود کرد. در مرور حضور یک‌پارچه مردم ایثارگر ... در تمام جنبه‌های حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی و اقتصادی یک‌دل و یک‌صدا بوده و به تعبیری «امت واحده» شدند (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۹۲ - ۱۹۱).

شواهد حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی که در هنگام پیروزی انقلاب در ایران شدید بالا رفته بود، تا سال‌های پایان جنگ نیز در حد قابل قبولی بوده است (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ۴۰). ساده‌زیستی، حمایت از محرومین، عدالت اجتماعی، ریشه‌کنی فقر و مقابله با استکبار از کلیدواژه‌های پربسامد این دوران در میان مسئولان و آحاد مردم است. از نظرگاه جامعه‌شناسی نیز این فصل از تاریخ اجتماعی ایران، دوران مسابقه فداکاری و ایثار است (رفیع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۷۰ - ۱۶۹).

بنابراین بی‌مناسبت نیست اگر از خود بپرسیم، چرا نوعی از زندگی اخلاقی و وفاق اجتماعی که در دوران دفاع مقدس پدید آمد، در سایر ادوار تاریخ اجتماعی ایران - قبل و بعد از آن - بی‌سابقه یا کم‌نظیر بوده است؟ به این منظور این دوران به مثابه نوع آرمانی برای تبیین و تفسیر در این تحقیق تطبیقی - تاریخی به کار می‌بریم. لازم به تأکید است که نوع آرمانی یک ابزار تحلیلی، مفهومی و اکتشافی برای تنظیم چهارچوب مفهومی و ارزیابی مدعای تحقیق است و اخلاقی زیستن در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس به‌طور نسبی و در مقایسه با سایر ادوار تاریخ اجتماعی ایران - البته با ذکر مصادیق و شواهد تاریخی - ادعا شده است. بنابر طبیعت تطبیقی - تاریخی این پژوهش برای

بررسی عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی و منطق روش‌های مقایسه‌ای جان استوارت میل برای استنباط‌های علی، همان‌طور که در منطق نمونه‌گیری تشریح شد، نمونه‌گیری از موارد همگون یعنی انتخاب هدفمند مواردی که از نظر ویژگی‌های مورد بررسی، همگون بوده و در حد امکان از تنوع کمتری برخوردار باشند مد نظر بوده است. بنابراین ویژگی‌های زیر برای دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس احصاء شده تا با توجه به آنها سایر موارد نیز انتخاب شوند:

۱. جنگ تحمیلی که ممکن است وفاق اجتماعی نتیجه مستقیم آن باشد.

۲. تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی و ایجاد وضعیت انقلابی

۳. رهبری کاریزما

## دوران سلطنت شاه اسماعیل اول (۹۳۰ - ۹۰۷ هـ. ق)

با ظهور دولت صفوی، دولتی با آرمان‌های مذهبی و سرشار از جذب و عاطفه شدید دینی تشکیل شد که با بسیاری از آرمان‌های عمیق نهانی مردم ایران موافق بود (هینتس ۱، ۱۳۷۷: ۸). استقلال نوین ایران از ۵۰۰ سال قبل - یعنی دوره صفویه شروع شده است (نجفی و فقیه‌حقانی، ۱۳۸۸: ۶۱۹). برخی مورخان و پژوهشگران، تأسیس سلسله صفوی را جهشی معجزه‌گون در تاریخ ایران دوره اسلامی برمی‌شمرند که بر اساس انقلابی بزرگ، زایش دوباره هویت ایرانی را در شکل کامل خود به همراه داشت که به تعبیر اغلب صاحب‌نظران آغاز دولت ملی به حساب می‌آید (زرین کوب به نقل از گودرزی، ۱۳۸۶: ۷، ویلبر ۲، ۱۹۸۵: ۶۸ - ۶۶؛ کولایی، ۱۳۸۳: ۵۶؛ سید امامی، ۱۳۸۳: ۱۶۴؛ بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۸۱؛ باوند، ۱۳۸۳: ۲۵۳؛ هاشمی زوج‌آباد و زارعی، ۱۳۸۴: ۹۷۹).

قرلباشانی که شاه اسماعیل با فداکاری آنها موفق به تشکیل حکومت شد، همه جا تا پای جان با او بودند. قیام شاه اسماعیل صفوی بر پایه دعوی با بیت امام زمان، حضرت مهدی (عج) بود و این پیش‌گویی را به شیخ زاهد گیلانی منسوب داشته‌اند که درباره اولاد داماد و مریدش شیخ صفی می‌گفت: «نمی‌دانید که نظر شفقت حق تعالی جل جلاله درباره شیخ صفی در چه مرتبه است. اولاد این سرور عالم‌گیر خواهند شد و روزبه‌روز در ترقی خواهند بود تا آن زمان که قایم آل محمد مهدی هادی علیه‌السلام کاف کفر را از روی زمین بر طرف کند» (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۲۰ - ۱۹).

شاه اسماعیل با بهره‌گیری از تدابیر و تدارکات صبورانه و ایدئولوژیک مشایخ نهضت صفویه و با اتکا به شمشیر قزلباشان بر تمام مدعیان سلطنت توفیق یافت. سپس سلطان سلیم که پس از رسیدن به حکومت و سر و سامان دادن مرزهای عثمانی سیاست خصمانه‌ای را در مقابل شیعیان در پیش گرفته بود، جنگ با شاه اسماعیل را وظیفه‌ای مذهبی برشمرد. وی به تهیه مقدمات تهاجم به ایران با سپاهی مشتمل بر ۲۰۰ هزار جنگجو دست زد که در جنگ‌های آن دوره خاورمیانه تعداد قابل ملاحظه‌ای به شمار می‌آمد (سیوری، ۱، ۱۳۶۳: ۳۵).

### دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ هـ. ق)

آقا محمد خان قاجار، مؤسس سلسله قاجاریه، در ابتدای سلطنت رسماً تاج بر سر نهاد و اغلب در گیرودار جنگ با رقبایش بود. پس از تاج‌گذاری نیز خیلی زود به قتل رسید. از این قرار فقط ۱۵ ماه دیهیم پادشاهی ایران را بر سر داشت (براون، ۱۳۱۶: ۱۳۸). پس از او فتحعلی‌شاه گرفتار مدعیان متعددی گردید. این مدعیان دو طبقه بودند: یک دسته بازماندگان خاندان صفوی و افشار و زند که سودای برگرداندن سلطنت را به اولاد شاهان گذشته این سلسله‌ها داشتند، دیگر تنی چند از سرداران آقا محمد خان یا نزدیکان او (پیرنیا و اقبال‌آشتیانی، ۱۳۸۴: ۹۶۱). فتحعلی‌شاه در مدت شش سال پس از رسیدن به سلطنت سایر مدعیان سلطنت را قلع و قمع و با فرونشاندن همه فتنه‌های داخلی آرامش را در کشور ایجاد کرد. اما روس‌ها که بنا بر وصیت‌نامه پتر کبیر، بنیان‌گذار روسیه نوین، درصدد دست یافتن به آب‌های گرم جنوب از طریق ایران بودند، جنگی را به ایران تحمیل کردند که ۱۰ سال به طول انجامید و منجر به عهدنامه گلستان شد.

شواهدی از علقه عمیق میان عموم مردم و او، نظیر آنچه درباره شاه اسماعیل اول به آن اشاره شد، نیست. با این همه حکومت فتحعلی‌شاه، حکومتی مذهبی بود و او از حمایت همه‌جانبه علما و روحانیون بهره‌مند و به این ترتیب از کاریزمای نهاد روحانیت برای مشروعیت اقدامات خویش برخوردار بود. در دوران فتحعلی‌شاه کتاب‌های مذهبی اغلب یا به سفارش شاه نوشته می‌شد یا به او پیش‌کش می‌گردید. علما به اقامت در نقاط مختلف کشور به‌ویژه پایتخت ترغیب شدند، تا شاه بتواند مکرر به دیدارشان برود و مراتب اخلاص و اطاعت خود را نسبت به آنان ابراز دارد (حقیقت، ۱۳۷۷: ۱۴۶۳).

## دوران سلطنت رضاشاه پهلوی (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ ه. ش)

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه. ش رضا خان با لقب جدید سردار سپه وارد کابینه شد و در اردیبهشت سال ۱۳۰۰ ه. ش سید ضیاء الدین طباطبایی، چهرهٔ دوم کودتا را از نخست‌وزیری کنار گذاشت و وزارت جنگ را به دست گرفت. او طی ۹ ماه تسلط خود را بر ارتش تثبیت کرد، ژاندارمری را از وزارت داخلهٔ کشور به وزارت جنگ انتقال داد، یارانش را در قشون قزاق جانسین افسران سوئدی و انگلیسی کرد و شورش‌های ژاندارمری در تبریز و مشهد را فرو نشاند (غنی، ۱۳۷۷). به نقل از منصور لاریجانی و شیرزادی، (۱۳۸۳: ۱۲۴). رضاخان با ارتش جدید خود امنیت ملی را در سراسر کشور برقرار کرد، آثار ملوک الطوائفی را یکی پس از دیگری نابود ساخت و سرانجام قدرت دولت مرکزی را تحکیم نمود. هرج و مرج‌ها، ناامنی‌ها، جنبش‌ها و شورش‌های محلی و بیم تجزیه که بازسازی اقتدار دولت مرکزی را به یک آرزوی بزرگ تبدیل کرده بود، باعث محبوبیت رضاخان به عنوان سردار سپه شده و موجب شد همگان او را در رسیدن به قدرت یاری کنند.

با نظریه‌پردازی‌های روشنفکران و حمایت روحانیان، تمام اقشار شخصیتی چون رضاخان را طلب می‌کردند. رضاخان پیش از سلطنت خواسته‌ها و تقاضاهای بخش‌های مختلف جامعه را نمایندگی می‌کرد. این دوران زمانی است که وی در مراسم مذهبی به‌ویژه عزاداری‌ها شرکت می‌کرد و گل بر سر می‌مالید و در دسته‌ها پیشاپیش هیئت‌ها بر سر و سینه می‌کوفت. او حتی نشان افتخار ارتش مدرن ایران را «ذوالفقار» نام نهاد تا ارادت خود را به اهل بیت نشان دهد.

در این دوران حتی مدرس، سرشناس‌ترین مخالف روحانی وی، هنوز به ورطهٔ مخالفت در نعلتیده بود. مدرس و مصدق با سردار سپه‌ی وی نه تنها مخالفتی نداشتند، بلکه از آن حمایت می‌کردند. مخالفت این دو با رضاخان زمانی در گرفت که صحبت از سلطنت به میان آمد. به هر حال تا این زمان هنوز رضا خان آن رضاشاه دیکتاتوری نشده بود که از مدرس تا ارانی در صف مخالفان سیاسی‌اش قرار گیرند و طعم زندان و ترور را بچشند (هزاوه‌ای، ۱۳۸۹: ۶۲).

رضا شاه در مراسم افتتاح دوازدهمین دورهٔ مجلس شورای ملی، درخصوص جنگ جهانی دوم اعلان بی‌طرفی کرد. با وجود این موضع رضاشاه، کشور بی‌طرف ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ از شمال و جنوب مورد تجاوز نیروهای شوروی و انگلستان قرار گرفت. در ۲۵ شهریور قوای شوروی و انگلستان از شمال و جنوب به سوی تهران حرکت کردند. رضاشاه ناچار در همان روز به نفع ولیعهدش محمدرضا، از سلطنت استعفا داد و بلافاصله در معیت خانواده‌اش روانهٔ بندر عباس گردید و در آنجا سرنوشت خود را به دست انگلیسی‌ها سپرد (منصور لاریجانی و شیرزادی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).



## دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴ ه. ش)

محمود احمدی‌نژاد، کاندیدای محافظه‌کاران انقلابی، در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری با شعارهایی مانند مبارزه با مفسدان دولتی، فقرستیزی، تأکید بر انقلاب مدیریتی و سپردن کارها به دست جوانان، بیرون آوردن پول نفت از حلقوم ویژه‌خواران و بردن آن بر سر سفره‌های مردم (جلایی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۶۳) بر رقیبان خود پیروز و رئیس جمهور شد. چهار سال بعد نیز در دهمین انتخابات ریاست جمهوری، احمدی‌نژاد در حالی بر صندلی ریاست جمهوری تکیه زد که در سخنرانی‌های تبلیغاتی از گردن کلفت‌های صاحب‌نفوذ حامی مفسدان اقتصادی شدیداً انتقاد می‌کرد: «قصدم در مناظره تلویزیونی نامزدهای انتخاباتی در صورتی که صلاح باشد اسامی برخی مفسدان اقتصادی را برای مردم افشا کنم» (تاریخ وقایع انتخابات هشتم و هشت، ۱۳۹۲، جلد اول: ۴۷۳ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی: ۱۳۸۸/۳/۱۱).

انتخاب این دوره از تاریخ اجتماعی ایران در مطالعه عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی مانند دوران سلطنت شاه اسماعیل اول صفوی، فتحعلی‌شاه قاجار و رضاشاه پهلوی به دلیل همگونی هدفمند با نمونه آرمانی از حیث وجود جنگ تحمیلی، تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی و ایجاد وضعیت انقلابی و رهبری کاریزما نیست؛ اگر چه در این دوران نیز به دلیل قطعنامه‌های پی‌درپی بین‌المللی علیه ایران و حیثیتی شدن مسئله پرونده هسته‌ای، هم برای ایران و هم برای جامعه جهانی که به‌طور یکپارچه مقابل ایران ایستاد و هم به دلیل نوع و شیوه نقد گذشته انقلاب و دولت‌های پیشین، هر سه مورد مرتبط با نمونه آرمانی نیز بی‌مناسبت نیست، اما انتخاب این دوره در کنار نمونه آرمانی و سه دوره دیگر بیشتر به دلیل تعدد و تنوع زیاد انتقادات نسبت به زیست اخلاقی جامعه در این دوره است. یعنی بررسی این‌که آیا تضعیف اخلاق اجتماعی - با استناد به نظرگاه‌های متعددی که اشاره خواهد شد - در این دوره طبق فرضیه نهایی تحقیق با تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی ارتباطی دارد یا خیر؟ روشن است که این بخش از تحقیق با توجه به روش‌شناسی پژوهش، مربوط به تبیین‌های قانونی و استدلال علی به روش‌های توافق و اختلاف جان استوارت میل مربوط می‌شود.

اخلاق عمومی و ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در حد فاصل سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ ه. ش یعنی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران به انحاء گوناگون مورد انتقاد متفکران حوزه‌های مختلف اندیشه، ادب، هنر، سیاست و ... بوده است. تا جایی که درباره «فاجعه فروپاشی بنیان‌های اخلاقی و افزایش فرمایگان بی‌خرد!» هشدار داده شده (گلزاری، ۱۳۸۹: ۴) و به ضعف مراعات اخلاقی به عنوان اولین معضل و آسیب جامعه ایران اشاره شده است (جلایی‌پور، ۱۳۹۲). بنا بر شواهد،

سرمایه اجتماعی که در هنگام پیروزی انقلاب در ایران بالا بوده و تا سال‌های پایان جنگ نیز در حد قابل قبولی بوده است، پس از آن به‌طور تدریجی کاهش پیدایش کرده است و در سال‌های اخیر به سطح پایینی رسیده است (زنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ۴۰).

## روش پردازش و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با الگو برداری از روش تفهیمی - تبیینی در جامعه‌شناسی ماکس وبر، هم از چشم‌اندازهای تبیینی و علت‌کاو، و هم از چشم‌اندازهای تفسیری و معناکاو برای پاسخ به چرایی و چگونگی روند تضعیف اخلاق اجتماعی در ادوار مختلف تاریخ اجتماعی ایران استفاده شده است. منطق این روش بر اساس اعتقاد و تأکید بر ارتباط درونی میان تحلیل رویدادها و اثبات قضایای عام است. با توجه به رویکرد استفهامی و ماهیت پژوهش تطبیقی - تاریخی در آن، استفهام نوع آرمانی زندگی اخلاقی در دوران دفاع مقدس، به روش هرمنوتیک<sup>۱</sup> یا روش تفسیری صورت گرفته است. این معنا با رجوع به منابع فرهنگی، تاریخی، دینی و مخصوصاً تاریخ دوران دفاع مقدس استفهام شده است. سپس با انتخاب چهار دوره دیگر از ادوار تاریخ اجتماعی ایران علاوه بر دوران دفاع مقدس، تأثیر تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی را در تضعیف اخلاق اجتماعی در دوران‌های مذکور، به روش استدلال علی یعنی روش‌های اتفاق و اختلاف جان استوارت میل تبیین می‌کنیم. تحلیل جان استوارت میل از استدلال علی در کتاب نظام منطق تکیه‌گاه اصلی روش تطبیقی است. هدف این روش‌ها آن است که با مشاهده مکرر تغییرات در شرایط مقدم بر وقوع یک حادثه، علت آن حادثه را مشخص کند (لیتل<sup>۲</sup>، ۱۳۷۳: ۴۷ به نقل از غفاری و ابراهیمی‌لویه، ۱۳۸۷: ۵۴).

## استدلال علی به روش‌های توافق و اختلاف جان استوارت میل

### روش توافق، اتفاق یا وفاق<sup>۳</sup>

قاعده یا روش وفاق از این قرار است که اگر دو یا بیشتر از دو نمونه از پدیده تحت پژوهش، فقط یک وضع مشترک داشته باشند، وضعی که همه نمونه‌ها فقط در آن وفاق دارند، همانا آن وضع علت (یا

---

1. Hermeneutic  
2. Daniel Little  
3. Agreement

معلول) پدیده مفروض است (کاپلستون، ۱، ۱۳۷۰: ۹۲). به بیان دیگر، روش توافق براساس وجوه مشترکی شکل می‌گیرد که از جمیع جهات دیگر با هم فرق دارند و آن را علت اثری می‌داند که در آن شرایط رخ می‌دهد (مکی.جی.ال ۲ به نقل از سروش، ۱۳۷۲: ۲۶۳).

### جدول ۱: شرح روش توافق

پدیدارها	شرایط مقدم	نمونه (مورد، مصداق)
a b c	A B E F	۱
a c d	A C D	۲
a f g	A B C E	۳

منبع: (حقی، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

جدول ۱ نشان می‌دهد که A در شرایط مقدم و a در پدیدارها به‌طور مشترک وجود دارد؛ بنابراین، محتمل است که A علت a باشد. این شیوه تحلیل در بررسی عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی در این پژوهش نشان‌گر آن است که هر زمان و هر جا تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی وجود دارد، شاهد تضعیف اخلاق اجتماعی هستیم.

### روش اختلاف، غیاب یا عدم وفاق<sup>۳</sup>

قاعده روش عدم وفاق این است که اگر موردی را ملاحظه کنیم که در آن پدیده تحت پژوهش رخ نماید و موردی را که در آن این پدیده رخ ننماید، و پی ببریم که دو مورد از هر حیث و وضعی با هم مشترک‌اند مگر در یکی، که این یکی هم فقط در مورد نخستین ظاهر شده، همین یک وضع همانا معلول یا علت جزء لاینفک علت پدیده در دست پژوهش است (کاپلستون، ۱۳۷۰: ۹۲). به بیان دیگر روش اختلاف انگشت بر وجه اختلاف شرایطی می‌نهد که از همه جهات دیگر با هم مشابه‌اند و آن را علت اثری می‌داند که در یکی رخ می‌دهد و در دیگری نه (مکی.جی.ال به نقل از سروش، ۱۳۷۲: ۲۶۳).

- 
1. Frederick Charles Copleston
  2. J. L. Mackie
  3. Dis Agreement

جدول ۲: شرح روش اختلاف

پدیده‌ها	شرایط مقدم	نمونه (مورد، مصداق)
a b c d	A B C F	۱
c e	B C	۲
f g	D B	۳
a f	A F	۴

منبع: (حقی، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

جدول ۲ نشان می‌دهد، هرگاه و هر کجا که A در شرایط مقدم، غایب است، a نیز در پدیده‌ها حضور ندارد؛ بنابراین احتمال می‌رود A علت a باشد. بر اساس این شیوه تحلیل، در بررسی عوامل مؤثر بر تضعیف اخلاق اجتماعی در ادوار تاریخ اجتماعی ایران، به نظر می‌رسد زندگی اخلاقی و وفاق اجتماعی در دوران دفاع مقدس نسبت به سایر ادوار، معلول فقدان تمرکز اقدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی در این دوره است.

هر دو روش توافق و اختلاف، روش حذفی هستند؛ یکی بر این اصل استوار است که آنچه را حذف می‌کنیم، هیچ‌گونه ربط علی با رخداد پدیده ندارد و دیگری مبتنی بر این اصل متعارف است که آنچه را نمی‌توانیم حذف کنیم، ربط و پیوند علی دارد. جان استوارت میل این دو روش را در روش مشترک وفاق و عدم وفاق تلفیق کرده است. در این پژوهش با استفاده از جدول حضور و غیاب مفاهیم، حضور یا غیاب تمرکز اقدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی را برای وجود یا فقدان ربط علی در تضعیف اخلاق اجتماعی بررسی می‌کنیم.

### یافته‌های تحقیق

#### اخلاق اجتماعی و اوضاع سیاسی، اقتصادی و مذهبی در دوران پیروزی

#### انقلاب و دفاع مقدس (۱۳۶۷ - ۱۳۵۷)

همان‌طور که پیش‌تر در بخش منطق انتخاب پنج دوره زمانی در این تحقیق اشاره کردیم، شواهد تاریخی و نظرگاه‌های متعدد، نشان‌گر وفاق اجتماعی، مراعات اخلاقی و میزانی از سرمایه اجتماعی مقبول در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس است.

در قریب به اتفاق ادوار تاریخ اجتماعی ایران، سردمداران نظام سیاسی، مخصوصاً نظامیان و روحانیان طرفدار حاکمیت از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند که مورد تأیید رأس هرم قدرت بوده است. این در حالی است که بیشترین تذکر امام به پرهیزکاری و اجتناب از ویژه‌خواری خطاب به روحانیان و سپاهیان بوده است: «از خدا بخواهید، از خدا اجر بخواهید. این چیزهایی که در دنیاست اجر این نیست که شما جانتان را فدا کردید و در طبق اخلاص گذاشتید. حالا این‌که جانتان را فدا کردید یک خانه می‌خواهید. یک دکان می‌خواهید، یک پست می‌خواهید. اصلاً می‌شود این عوض او باشد؟! کسی که همه چیزش را، خودش را، جوانش را همه چیزش را فدا کرده است، این حالا بیاید بگوید که یک خانه‌ای بدهید عوض این، این عوض دارد اصلش؟! این فداکاری [را] جز خدا کسی نمی‌تواند عوض بدهد. اگر همه این دنیا را به شما بدهند، عوض او نیست. آن حال را حفظ کنید، برگردید به آن حال، دوباره شما تحت رهبری شیطان نباشید» (سپاه در گذر انقلاب، ۱۳۸۹، جلد اول: ۸۲۱ به نقل از صحیفه امام، جلد ۸: ۴۱۸).

آنچه در خصوص ادعای مطرح‌شده در این پژوهش مبنی بر فقدان تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس مهم است و باید مد نظر قرار گیرد، این واقعیت است که این ادعا در مقایسه با سایر ادوار تاریخ اجتماعی در ایران و به‌طور نسبی مطرح شده است. به این معنا که با پرهیز از نگاه دوجبهی یا این یا آن، مطلوب یا نامطلوب، در یک مقایسه تطبیقی - تاریخی با سایر دوران‌ها، در این دوره، تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی وجود ندارد یا بسیار کم رنگ است. مهم‌تر این که در بستر جامعه، تضعیف اخلاق اجتماعی احساس نمی‌شود. ضمن این که واکنش حاکمیت به شواهد مبتنی بر گرایش به سمت تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی نیز مهم است و باید مورد تأمل قرار گیرد؛ مثلاً در پی اعتراض گروهی از زرتشتیان به ماجراهای پس از فرمان هشت‌ماده‌ای امام در ۱۳۶۱/۱۰/۱۵، امام خمینی (ره) همه هیئت‌های گزینش را در سراسر کشور منحل اعلام کردند و در همین رابطه، ستاد پیگیری تصمیمات امام اعلام کرد که احکام دانشجویان تعلیقی و احکام هیئت‌های بازسازی، مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۹۸ به نقل از یوسفی ۱۳۷۸: ۳۹ - ۳۴؛ صحیفه امام، ۱۳۷۱، جلد ۱۷: ۱۰۵ - ۱۰۰).

## اخلاق اجتماعی و اوضاع سیاسی، اقتصادی و مذهبی در دوران سلطنت شاه اسماعیل اول (۹۳۰ - ۹۰۷ هـ. ق)

از ویژگی‌های سلطنت شاه اسماعیل اول، ماهیت دین‌سالارانه و خصلت بسیار نظامی نهاد اجرایی در دوران حکومت اوست. در دولت‌های صفوی به‌ویژه دوران شاه اسماعیل اول، شاه در رأس کل ساختار اجرایی قرار داشته و از جنبه نظری قدرت مطلق به شمار می‌آمد. او تجلی زنده اولوهیت بود و سایه خدا بر زمین. از آن‌جا که فرمان‌روا منصوب مستقیم خدا تلقی می‌شد، زیردستانش ملزم به اطاعت از دستورات او، خواه عادلانه یا غیرعادلانه بودند. به عنوان نماینده مهدی (عج) شاه صفوی از سایرین به سرچشمه حقیقت مطلق نزدیک‌تر بود و در نتیجه نافرمانی زیردستانش گناه محسوب می‌شد. (سیوری، ۱۳۶۳: ۲۹). شاه اسماعیل به اعتبار سیادت [از دودمان پیامبر بودن] خود را مستحق امامت و خلافت می‌دانست (جعفریان، ۱۳۹۳: ۸۵۶).

آرمان صفویه بدون شمشیر قزلباش‌ها به قدرت سیاسی دست نمی‌یافت و قزلباش‌ها خود به این امر واقف بودند. عباراتی چون قلمرو قزلباش، دولت قزلباش و مملکت قزلباش مؤید این موضوع است. همچنین از شاه نیز معمولاً با عنوان پادشاه قزلباش یاد می‌شد که ظاهراً رعایای ایرانی شاه را مستثنی می‌سازد. بنابراین نباید تعجب کرد که بعد از به سلطنت رسیدن شاه اسماعیل، قزلباش‌ها خواستار تصدی مقامات اصلی دولتی شدند و آن را به دست آوردند (سیوری، ۱۳۶۳: ۳۰).

تمام دوران سلطنت شاه اسماعیل در هاله‌ای از ترس و تقدیس سپری شد. زنده کباب کردن، گوشت دشمن را خوردن، دو درخت را به‌زور چند تن مانند فتر به هم پیوستن و دست و پای آدمی را به آن درخت بستن و رها کردن، زنده پوست کردن، در دیگ جوشاندن، مقصر را از جای بلند آویختن و بر گردنش سنگ بستن، همه از کارهای شاه اسماعیل اول بنیان‌گذار سلطنت شاهان صفوی است. این پادشاه که به عنوان ترویج مذهب شیعه جنگ‌ها و قتل‌عام‌ها کرد، نزدیک ۲۵۰ هزار انسان را کشت (مهدی‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷).

شاه اسماعیل افراد غیر شیعه را مهدورالدم می‌شمرد. به همین لحاظ در نیش قبر عبدالرحمن جامی که صوفی نقش‌بندی بود و همچنین نیش قبر شیخ ابواسحاق کازرونی، صوفی مشهور و عین‌القضات همدانی و سرانجام قاضی بیضاوی صاحب تفسیر انوار التنزیل تردیدی به خود راه نداد (حقیقت، ۱۳۷۷: ۱۲۳۵). در نتیجه تسلط امرای قزلباش در زمان شاه اسماعیل، وضعی که تقریباً در بیشتر شهرهای ایران تکرار می‌شد این بود که ثروت به طبقه‌ای تازه که قزلباشان و بستگان آنان بودند منتقل می‌گردید (باستانی‌باریزی، ۱۳۷۸: ۷۵ - ۷۴).

انحطاط اخلاقی و تضعیف اخلاق اجتماعی در دوران سلطنت شاه اسماعیل، از صدر تا ذیل و همه شئون اجتماعی را در بر گرفته است. عمق انحطاط اخلاقی در دوران شاه اسماعیل اول را می‌توان در توجیه شرعی همه زشتی‌ها و پلشتی‌های این دوران شنید و دید. یافته‌های این تحقیق گویای شدیدترین حالت ممکن از تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی در دوران سلطنت شاه اسماعیل اول صفوی است. شاه اسماعیل در حالی بر تخت پادشاهی ایران تکیه داد که در میان طرفداران قزلباش خود به عنوان نماینده حضرت مهدی (عج) مشروعیت تام و تمام داشت و مخالفان و منکران نیز یا کشته شده و یا در حال تعقیب و آزار بودند. دستاوردهای اقتصادی دوران صفوی نیز در نتیجه تسلط امرای قزلباش، باعث انباشت ثروت در میان طبقه جدیدی از سپاهیان شده بود. از حیث مذهبی نیز، شاه اسماعیل و طرفداران و حامیان او کوچک‌ترین شفقتی درباره دیدگاه‌های مذهبی مغایر با قرائت رسمی حاکمیت نداشتند. گزارش‌های رسمی و غیررسمی از وضعیت اخلاق اجتماعی در دوران سلطنت شاه اسماعیل نیز گویای نابسامانی و تضعیف اخلاق اجتماعی در این دوران است. در مقایسه با نمونه آرمانی، یعنی دوران دفاع مقدس، شاید بتوان این مدعی را مطرح کرد که کاریزمای شاه اسماعیل اول تا قبل از جنگ چالدران - که توهم شکست‌ناپذیری او را از بین برد - دست‌کمی از کاریزمای امام خمینی (ره) نداشت و جنگ با سلطان عثمانی که جنگیدن با شاه اسماعیل را وظیفه مذهبی می‌دانست کمتر از جنگ صدام حسین که خود را سردار قادسیه می‌نامید، تحمیلی نبود.

## اخلاق اجتماعی و اوضاع سیاسی، اقتصادی و مذهبی در دوران سلطنت

### فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ هـ ق)

در یک کلام، مشخص‌ترین و عمده‌ترین ویژگی ایران قرن نوزدهم خلاصه می‌شود در تسلط کامل و بی‌چون و چرای حکومت بر شالوده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران (زیباکلام، ۱۳۷۳: ۱۶۲). گفته می‌شود در دوران قاجار با توجه به نوع مشروعیت سیاسی، فاصله میان حکام و علما افزایش یافت و این خود تا اندازه‌ای ناشی از افزایش امتیازات و تقویت موقعیت روحانیون بود (بشیریه، ۱۳۸۱: ۵۷). البته فاصله میان حکام و علما مربوط به اواخر دوره قاجار است. همان‌طور که در بخش منطق انتخاب پنج دوره زمانی در فصل گذشته، اشاره شده است، حکومت فتحعلی‌شاه از حمایت همه‌جانبه علما و روحانیون بهره‌مند بود. آنچه بشیریه درباره فاصله میان حکما و علما در دوران قاجار به آن اشاره کرده، به‌درستی در اواخر قرن نوزدهم یعنی سال‌ها بعد از حکومت فتحعلی‌شاه محقق شده است.

نقش روحانیون در تاریخچه سیاسی اخیر ایران جزو و مد فراوان داشته است. در اعتراضات علیه نفوذ اقتصادی بریتانیا در اواخر قرن نوزدهم و همچنین در جریان انقلاب مشروطیت سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۸ رهبران مذهبی نقش مهم در راه تأمین استقلال کشور و استقرار دولت مشروطه ایفا کردند (هلیدی ۱، ۱۳۵۸: ۲۲۸). در زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار شاهد گسترش دربار و زندگی اداری و مداخله بسیاری از علمای مهم در زندگی عمومی هستیم. علمای مزبور یا شاگردان بهبهانی بودند مانند میرزا ابوالقاسم قمی و سید مهدی بحرالعلوم، یا شاگرد شاگردان او بودند: مانند ملا علی نوری و حاجی محمدابراهیم کلباسی. در سراسر سال‌های آن حکومت، نفوذ اینان بر رویدادها زیاد بود و علاقه فتحعلی‌شاه به جلب رضایت علمای مذهبی قاطعیت آنان را افزایش داد (حقیقت، ۱۳۷۷: ۱۴۶۳). در دوران فتحعلی‌شاه دانش‌های بر پایه خرد و استدلال تقبیح می‌شدند و مخصوصاً علما، دیدگاه‌های مذهبی را فقط از پنجره فقه و اصول برمی‌تافتند. رئیس حوزه علمیه قم، میرزا ابوالقاسم قمی، اجازه نمی‌داد طلاب به جز فقه و اصول با علوم دیگری آشنا شوند. به‌علاوه ایشان رساله‌ای بر ضد صوفیان و فیلسوفان نوشته و انکار کفر صوفیان را در مرتبه انکار ابلیس دانست و درباره فیلسوفانی مانند ملاصدرا که به وحدت وجود باور داشتند آورد که «کفر و زندقه آنها ظاهر است» (زیباکلام، ۱۳۷۵: ۲۷۲). خردستیزی، استدلال‌گریزی و جزم و دگم اندیشی در این دوران مانع از توجه به امکان گونه‌های دیگر از نگرستن و زیستن است.

جیمس موریه ۲ اخلاق اجتماعی ایرانیان را در دوره فتحعلی‌شاه این‌طور دیده است: «ایرانیان لبریز از خودپسندی و شاید بتوان گفت در تمام دنیا مردمی پیدا نشود که به این درجه به شخص خودشان اهمیت بدهند و برای خودشان اهمیت قائل باشند (جمال‌زاده، ۱۳۴۵: ۷۳). او مردم ایران را به استثنای عده معدودی دورو و مذبذب دیده و معتقد است: دروغ ناخوشی ملی و عیب فطری ایشان است.

جنگ‌های ایران با روس‌ها در دوران فتحعلی‌شاه قاجار نیز نمونه‌ای از جنگ‌های تحمیلی علیه ایران است. در این دوران اگر چه هیچ نشانه‌ای از کاریزما در شخصیت فتحعلی‌شاه قاجار نیست، اما نزدیکی تام و تمام او با نهاد روحانیت و بده‌بستان‌هایی که در تمام دوران حکومت فتحعلی‌شاه با روحانیان وجود دارد، تردیدی برای مشروعیت شاه باقی نمی‌گذارد. یافته‌های پژوهش درباره این دوران حاکی از تمرکز شدید اقتدار سیاسی و اقتدار اقتصادی است. در این دوران نهاد مذهب به‌شدت مورد توجه و احترام حاکمیت است و در مقابل نهاد مذهب نیز مشروعیت حاکمیت را تضمین و تأیید

- 
1. Fred Halliday
  2. James Justinian Morier



می‌کند. همان‌طور که در فصل پیش اشاره شد، رؤسای دینی در این دوران، دیدگاه‌های مذهبی را فقط از پنجره فقه و اصول شیعی برمی‌تافتند؛ تا جایی که از نظر میرزا ابوالقاسم قمی، کفر و زندقه فیلسوفانی مانند ملاصدرا ظاهر است.

## اخلاق اجتماعی و اوضاع سیاسی، اقتصادی و مذهبی در دوران رضاشاه پهلوی (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ هـ. ش)

رضاخان سوار بر امواج ناکامی مشروطه، با نظریه‌پردازی‌های برخی روشنفکران، حمایت برخی روحانیان و تمام اقشاری که شخصیتی همچون او را طلب می‌کردند، تاریخ اجتماعی ایران را یک بار دیگر تکرار کرد و در هاله‌ای از ترس و تقدیس به سلطنت رسید. گفتمان پهلویسم برای حفظ و تداوم هژمونی خود به استبداد سنتی ایرانی متوسل شد و این نهاد کهن را که مشروطه تاب و توان آن را رها کرده بود، قدرتمندتر از پیش زنده کرد. پس از جنگ و جدال‌های زیان‌بار و درازدایمانه انقلاب مشروطه، امید می‌رفت که استبداد خشن دولتی که ویژگی لاینفک پادشاهی ایرانی در طول تاریخ بوده است، از میان رفته باشد؛ ولی در عمل چنین نشد و همان‌گونه که مصدق در اعتراض به تغییر سلطنت پیش‌بینی کرده بود، با شاه شدن رضاخان و استقرار سلطنت پهلوی همه زحمت‌های مشروطه بر باد رفت؛ گویی از اساس مشروطه در میان نبوده است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

رضاشاه برای حفظ تاج و تخت در خاندان پهلوی، در صدد برآمد تا رجال قدرتمندی را که ممکن بود پس از او از ولیعهد اطاعت نکنند از سر راه بردارد. تا سال ۱۳۱۲، رضاشاه همه را گرفت و بست و کشت و هیچ جنبنده‌ای در داخل ایران در مقابل او جرئت بی‌اندازی نداشت. او یکه‌تاز میدان شد و چنان تنها شد که در ۱۳۲۰ به یک اخطار دولت انگلیس وطن‌آریایی را رها کرد و به جزیره موریس رفت و این هم نتیجه خودکامگی که هم محصول ملت است و هم کشنده آن (رضاقلی، ۱۳۸۹: ۱۸۴). در سلطنت رضاشاه همه نهادهای سیاسی و اجتماعی در خدمت نظام و برای نظام و توجیه‌گر وضع موجودند. در همه سال‌های دولت رضاشاه نمایندگان، منصوبان دولت بودند و نه منتخبان مردم. به همین دلیل، مجلس به محل امضای دستورهای همایونی تبدیل شد و استقلال آن از بین رفت (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۶). در انتخابات مجلس هفتم هیچ یک از مخالفان شاه رأی نیاوردند. جمله مشهور سید حسن مدرس که حتی یک رأی نیاورده بود، آن روزها زبان‌زد خاص و عام شد: «آن رأی که من به خودم داده‌ام کجاست؟» (مدرسی، ۱۳۷۴: ۳۱۸).

شیوه ظالمانه اداره حکومت رضاشاه را می‌توان در آثار روشنفکران و متفکران عصر و سرنوشت آنها دید. فرخی یزدی از شاخص‌ترین غزل‌سرایان سیاسی معاصر می‌گوید:

بود اگر جامعه بیدار در این دار خراب

جای سردار سپه جز به سر دار نبود

فرخی سرانجام در زندان قصر در سال ۱۳۱۸ هـ. ش به‌گونه‌ای بی‌رحمانه و ناجوانمردانه‌ای - که شیوه آن نظام بود - با تزریق آمپول هوا، توسط پزشک زندان به شهادت رسید (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۳۳). به جرم این که می‌گفت:

تو در طلب حکومت مقتدری

ما طالب اقتدار ملت هستیم

تمرکز اقتدار مذهبی در دوره رضاشاه در قامت تقدیس سکولاریسم جلوه می‌کند؛ اما آنچه در عمل تحقق می‌یابد، جدایی دین از حاکمیت و سیاست نیست؛ بلکه در برهه‌هایی از این دوره، دین‌ستیزی خود آیین حاکمیت و طرفدارانش است. در این دوران برخی روشنفکران سکولار و لائیک با انگیزه و گاه بهانه حمله به خرافات و موهومات عواطف و احساسات دینی رایج را جریحه‌دار می‌کنند و حاکمیت به روشی خصمانه در برابر ارزش‌های مذهبی و فکری جامعه می‌ایستد. در حکومت رضاشاه اقتدارگرایی دولت مدرن و نادیده گرفتن مطالبات قومی اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ممانعت از مشارکت نخبگان قومی در امور سیاسی، زمینه لازم جهت سیاسی شدن اختلافات زبانی و مذهبی را - به مثابه ابزاری برای رویارویی با دولت مدرن - فراهم ساخت (نادرپور، ۱۳۸۰: ۱۵۴)

تضعیف اخلاق اجتماعی، انحطاط اخلاقی و کجی و کاستی در دوران سلطنت رضاشاه به موازات حرکت در جهت جامعه مدرن، وضعیت پیچیده‌ای به خود گرفته است. از یک طرف جامعه سعی دارد از پوسته سنتی خود جدا شود و از سوی دیگر بسترهای فرهنگی و اجتماعی لازم برای تولد سالم مهیا نیست. نوزاد ناقص‌الخلقه جدید ملغمی از حیرت و اندوه به ارمغان آورده است.

حمله متفقین در آخرین روزهای سلطنت رضاشاه پهلوی نیز، نمونه‌ای از جنگ‌های تحمیلی به ملت ایران بوده است. اما این جنگ بر خلاف جنگ ایران و عراق هرگز منجر به نوعی از وفاق اجتماعی که در دوران دفاع مقدس شاهد آن بوده‌ایم، نشد. رضاشاه که پیش از سلطنت حد قابل ملاحظه‌ای از مقبولیت را در میان اقشار مختلف ایران به دست آورده بود، پس از سلطنت با ایجاد تمرکز بی‌سابقه‌ای در اقتدار سیاسی، اقتدار مذهبی و اقتدار اقتصادی، وطنی را برای مردم ایران به ارمغان آورد که از آن به تداوم نظام دیکتاتوری در ایران، تعبیر می‌کنند.

## اخلاق اجتماعی و اوضاع سیاسی، اقتصادی و مذهبی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴ ه. ش)

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، انتخاب این دوره به دلیل تعدد و تنوع بسیار انتقادات نسبت به زیست اخلاقی در جامعه بوده و هدف بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی و مذهبی و ارتباط آنها با همدیگر است. دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد هم در دولت نهم و هم در دولت دهم از حیث این‌که رئیس دولت، خود منتقد وجود نوعی تمرکز اقتدار سیاسی و اقتدار اقتصادی که مانع برنامه‌های دولت برای تحقق عدالت در جامعه است، قابل تأمل است.

دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی با سایر ادوار تاریخی که در این پژوهش مطالعه می‌شوند یک فرق اساسی دارد؛ این دوره‌ای است که در آن ارتباطات گسترده جهانی و شبکه‌های اجتماعی، به‌طور لحظه‌ای امکان مقایسه با سایر جوامع را برای همهٔ آحاد جامعه در اکثر نقاط کرهٔ زمین فراهم کرده است. بنابراین احساس وجود یا فقدان تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی ناگزیر در مقایسه با سایر جوامع صورت می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش بیان‌گر احساس وجود تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار مذهبی و اقتدار اقتصادی در این دوران برای بخش گسترده‌ای از جامعه است. در این دوران فضای به‌شدت قطبی‌شدهٔ جامعه به‌گونه‌ای بوده که هر قطب طرف مقابل را متهم به ایجاد تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی می‌کند. در مقایسه با سایر ادوار جمهوری اسلامی پس از انقلاب، این دوره‌ای است که وجود تمرکز اقتدار سیاسی، مذهبی و اقتصادی به‌سیاه‌نمایی تعبیر نمی‌شود و اتفاقاً ارکان نظام هر یک دیگری را متهم به تلاش برای تثبیت و سوءاستفاده از اقتدار در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و مذهب می‌کنند.

در دوران نهم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، طرفداران و مخالفان با مواجهه‌های کلامی همدیگر را به ویژه‌خواهی و ویژه‌خواری و تمرکز اقتدار سیاسی و اقتصادی محکوم می‌کردند و این امر در فضای دوقطبی‌ای که پس از انتخابات دورهٔ دهم بیشتر و بیشتر شده بود، به مواجهه‌های کلامی و غیرکلامی خشن انجامید. حالا گروهی خود را با یزیدیان زمان مواجه می‌دیدند و می‌خواستند به آنها باج ندهند و گروهی دیگر به تلویح و تصریح از کید معاویه‌ها می‌نالیدند.

در حین تبلیغات انتخابات دهم ریاست جمهوری و پس از آن، واقعیت وجود فقر، مهندسی تخصیص منابع و تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی در طول دوران پس از انقلاب اسلامی به انحاء مختلف، از زبان مدیران ارشد نظام، در رفت؛ و آنچه پیش از آن سیاه‌نمایی دشمنان قلمداد می‌شد، اکنون از زبان دوستان قدیم و خطاب به همدیگر، بر آن تأکید می‌شد.

## بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم تضعیف اخلاق اجتماعی، در ذات خود، موضوع مناقشه‌برانگیزی است. سال‌هاست که فیلسوفان اخلاق، تعاریف متعدد و مختلفی از اخلاق ارائه می‌کنند و دانشمندان علوم اجتماعی نیز از نظرگاه‌های متعددی وفاق اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سامان اثباتی، جهان اخلاقی، اخلاق جهانی، نظام ارزش‌ها، سامان اخلاقی و ... را مطرح کرده‌اند. آنچه پیش و بیش از همه اینها ملموس و مشخص است، واکنش همه ما در مواجهه با مثلاً عبور از چراغ قرمز در معابر یا دروغ‌گویی‌ای که خودمان مخاطبش باشیم و ... است؛ یعنی فریاد وا اخلاقا!

در این پژوهش برای آن که دریابیم تکرار فریاد وا اخلاقا! و تضعیف اخلاق اجتماعی در یک جامعه چگونه و تحت چه عواملی شنیده می‌شود و شکل می‌گیرد؛ ابتدا با نگاهی اجمالی به تاریخ ایران به یک ایده نظری و کلی رسیدیم: این که گزارش‌های مبنی بر غیراخلاقی بودن ایرانیان در بسترهایی ارائه شده که در آن شواهدی از تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی وجود دارد. در گام بعدی مطالعه تاریخی ایران با فصلی از تاریخ اجتماعی روبه‌رو شدیم که قضاوت‌های دیگران - نظرگاه‌های گوناگون و متعدد - درباره آن با آنچه از سایر ادوار تاریخ اجتماعی ایران - قبل و بعد از آن - خواندیم، مغایرت داشت؛ نظرگاه‌های متعددی گویای این واقعیت بود که دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس (جنگ ایران و عراق) فصلی بی‌نظیر یا دست‌کم کم‌نظیر از مراعات اخلاق اجتماعی در جامعه ایران است. حجم قابل ملاحظه‌ای از انتقادات نسبت به زیست اخلاقی همین مردمان در کمتر از دو دهه پس از آن، این کنجکاو را برانگیخت که چرا نوعی از زندگی اخلاقی و وفاق اجتماعی که در دوران دفاع مقدس پدید آمد، در سایر ادوار تاریخ اجتماعی ایران - قبل و بعد از آن - بی‌سابقه بوده است؟

بنابراین زندگی اخلاقی در دوران دفاع مقدس را به مثابه نوع آرمانی برای تبیین و تفسیر در این تحقیق تطبیقی - تاریخی به کار گرفته‌ایم. از آنجایی که بسیاری از تحلیل‌ها درباره وفاق اجتماعی در دوران دفاع مقدس به موقعیت جنگ تحمیلی و رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره) نسبت داده شده و می‌شود، مطابق با آنچه در منطق نمونه‌گیری توضیح داده شده، سه دوره دیگر را با موقعیت وجود جنگ تحمیلی، تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی و ایجاد وضعیت انقلابی و تا حد ممکن کاریزمای رهبری انتخاب کردیم؛ به‌علاوه دوران دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی را نیز به عنوان دوره‌ای که حجم بی‌سابقه‌ای از انتقادات به زندگی اخلاقی و خلیات جامعه صورت گرفته، مورد بررسی قرار داده‌ایم. بنا به مدل تحلیل نظری که در آخرین گام‌های تکوین فرضیات به آن رسیده‌ایم: تمرکز هر یک از اقتدارهای سیاسی، اقتصادی و مذهبی، ضمن احتمال بازتولید دیگری و احتمالاً ایجاد تمرکز

اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی احتمالاً منجر به تضعیف اخلاق اجتماعی می شود. ضمن این که تضعیف اخلاق اجتماعی نیز می تواند به تمرکز اقتدار سیاسی یا اقتدار اقتصادی و یا اقتدار مذهبی منجر شود و چرخه معیوبی از تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی و تضعیف اخلاق اجتماعی را بسازد.

### مقایسه تطبیقی یافته‌های پژوهش

یافته‌های این تحقیق نشان گر صدق مدل تحلیل نظری و فرضیه پژوهش است. یعنی دست کم بر مبنای یافته‌های این پژوهش که از مطالعه پنج دوره از تاریخ اجتماعی ایران به دست آمده، تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی در یک جا و به طور هم زمان (صرف نظر از نوع و رویکرد ایدئولوژی سیاسی، اقتصادی و مذهبی) شرایطی را در جامعه به وجود می آورد که موجب انحطاط و تضعیف اخلاق اجتماعی می شود. با توجه به جدول ۳ که حضور و غیاب تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی و وضعیت اخلاق اجتماعی را در پنج دوره تاریخ اجتماعی ایران در این تحقیق نشان می دهد، ناکامی هم زمان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی باعث بروز رفتارهایی غیر اخلاقی و در نهایت باعث تضعیف اخلاق اجتماعی می شود.

جدول ۳: حضور و غیاب تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی در تاریخ اجتماعی ایران

اثر	متغیرهای کیفی: عوامل			ادوار تاریخ اجتماعی ایران
	تمرکز اقتدار مذهبی	تمرکز اقتدار اقتصادی	تمرکز اقتدار سیاسی	
تضعیف اخلاق اجتماعی	حاضر	حاضر	حاضر	شاه اسماعیل اول
	حاضر	حاضر	حاضر	فتحعلی شاه قاجار
	حاضر	حاضر	حاضر	رضاشاه
	غایب	غایب	غایب	پیروزی انقلاب و دفاع مقدس
	حاضر	حاضر	حاضر	دولت نهم و دهم

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، جنگ چالدران در دوران سلطنت شاه اسماعیل اول، جنگ‌های ایران با روس‌ها در دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار و حمله متفقین در دوران رضاشاه، کمتر از جنگ ایران و عراق در دوران دفاع مقدس، تحمیلی نیست. همچنین کاریزمای شاه اسماعیل اول و روحانیان طرفدار فتحعلی‌شاه نیز چیزی نیست که از دید تاریخ پنهان مانده باشد. آنچه موجب زندگی اخلاقی، مراعات اخلاق اجتماعی و به‌طور کلی وفاق اجتماعی در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس شده، فقدان اجبار و اکراه در مشارکت اجتماعی و حاصل فقدان تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی است؛ وضعیتی که به‌طور نسبی و با پرهیز از نگاه دووجهی سیاه و سفید، به‌وضوح در تمام تاریخ اجتماعی ایران بی‌سابقه یا لاقلاً کم‌نظیر است.

البته این سؤال منطقی به‌جاست که، شاید تضعیف اخلاق اجتماعی علت ایجاد تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی باشد؟ نه بر عکس؛ در پاسخ باید گفت، همان‌طور که در مدل تحلیل نظری بر آن تأکید شده و نشان داده‌ایم، این یک رابطه علت و معلولی دوسویه است. یعنی همان‌طور که تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی به تضعیف اخلاق اجتماعی می‌انجامد، تضعیف اخلاق اجتماعی به نوبه خود موجب ایجاد تمرکز اقتدار سیاسی یا تمرکز اقتصادی و یا تمرکز اقتدار مذهبی و در نهایت تمرکز هر سه متغیر کیفی می‌شود و در نهایت، جامعه بیمار و چرخه معیوب ضعف اخلاق و تمرکز اقتدار را به وجود می‌آورد.

در دوران سلطنت شاه اسماعیل به‌سختی می‌توان تقدم اقتدار سیاسی و اقتدار مذهبی را نسبت به هم تعیین کرد. این دو در تمام دوران صفویه با بازتولید اقتدار اقتصادی و ایجاد تمرکز اقتدار سیاسی، مذهبی و اقتصادی به تضعیف اخلاق اجتماعی منجر شده‌اند. رابطه معکوس از تضعیف اخلاق اجتماعی به سوی تمرکز اقتدار را نیز می‌توان در توجیهات شرعی مورخان و روحانیان در عملکرد شاه اسماعیل دید. شواهد حاکی از این واقعیت است که این رابطه دیالکتیکی در دوران شاه اسماعیل اول از تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی به تضعیف اخلاق اجتماعی شدیدتر و در دوران سایر شاهان صفوی عکس این رابطه نیز کم‌کم شدید و شدیدتر می‌شود.

در زمان فتحعلی‌شاه قاجار اقتدار مذهبی در ابتدا ناشی از اقتدار سیاسی است و این دو با ایجاد تمرکز اقتدار سیاسی، مذهبی و اقتصادی منجر به تضعیف اخلاق اجتماعی می‌شوند. در تمام دوران حکومت قاجارها این رابطه دیالکتیکی از تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی به سمت تضعیف اخلاق اجتماعی شدیدتر است.

حکومت رضاشاه بی‌تردید محصول ضعف اخلاق اجتماعی ناشی از گذشته است که نمود آن را در ریاکاری‌های شخص رضاشاه پیش از سلطنت و نظرگاه‌های متعدد روشنفکرانی که از استبداد منور و

دیکتاتور صالح می‌گویند، می‌توان دریافت. ضعف اخلاق اجتماعی که منجر به تمرکز اقتدار سیاسی و در نهایت تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی شد، این رابطه دیالکتیکی را در جهت عکس خود یعنی از تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی به تضعیف اخلاق اجتماعی روبه‌روز شدیدتر کرد و این چرخه معیوب به شکل پیچیده‌ای که شاید ناشی از حرکت به سوی مدرن شدن بدون زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی لازم بود، روبه‌روز سریع‌تر شد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق اجتماعی ایرانیان قبل از پیروزی انقلاب و پس از دوران دفاع مقدس از نظرگاه‌های مختلف و متعددی تقبیح شده و در دوران پیروزی و دفاع مقدس از نظرگاه‌های مختلف و متعدد تحسین شده است. وفاق اجتماعی دوران دفاع مقدس، اغلب به شرایط انقلابی آن دوره، جنگ تحمیلی و کاریزمای امام خمینی (ره) نسبت داده می‌شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در مقایسه با سایر ادوار تاریخ اجتماعی ایران، این دوره‌ای است که در آن تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار مذهبی و اقتدار اقتصادی نظیر آنچه در گذشته و آینده دیده‌ایم، وجود ندارد یا بسیار کم رنگ است. سال‌های اولیه انقلاب بی‌تردید اوج مشارکت سیاسی و تضارب آراء و نظرگاه‌های متعدد و متفاوت است؛ که وفاق اجتماعی بی‌سابقه‌ای را در تاریخ اجتماعی ایران رقم زده و تا پایان دفاع مقدس سرمایه اجتماعی قابل قبول و حد تحسین‌برانگیزی از مراعات اخلاق اجتماعی را تثبیت کرده است. اگر در دوران سلطنت شاه اسماعیل، کاریزمای مرشد صوفیان منجر به آدم‌سوزی و آدم‌خوری مریدانش می‌شد و سربازان رضاشاه سر به جای کلاه می‌آوردند، رهروان امام خمینی (ره) از همان ابتدا با جهاد سازندگی در روستاها و دهات امید تازه‌ای را در دل مردم می‌کاشتند. اگر چه انتقادهای زیاد و گاه درستی به عملکرد انقلابیون بعد از سال‌های اولیه پیروزی وجود دارد، اما تحقیقاً این دوره‌ای است که در آن در بستر اجتماعی تا حد زیادی اخلاق رعایت می‌شد و بخش گسترده‌ای از جامعه خود را در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و مذهبی کشور شریک می‌داند و تأثیر این حس که در تاریخ گذشته و بعد از آن کم‌سابقه بوده، وفاق اجتماعی و تحسین مردم و مسئولان از نظرگاه‌های مختلف و متعدد است.

کمتر از دو دهه پس از پایان جنگ و دوران دفاع مقدس، شاهد حجم وسیعی از انتقادات به زیست اخلاقی همین مردمانی هستیم که پیش از این، در شرایطی دیگر تحسین شده‌اند. شرایط جدید حاکی از تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار مذهبی و اقتدار اقتصادی است. در این دوران وجود تمرکز که مکرراً پس از پایان جنگ تحمیلی سیاه‌نمایی تلقی می‌شد، از زبان ارکان نظام به انحاء مختلف خطاب به رفیقان گذشته و رقیبان جدید تذکر داده می‌شد.

احساس اجبار و فضای تنگ این دوران را از حجم وسیع تقاضای نخبگان و تحصیل‌کردگان برای خروج از کشور و مهاجرت می‌توان دریافت. این دورانی است که بدون شک احساس وجود تمرکز

اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی در اکثر مردم وجود دارد؛ منتهی گرایش‌های فکری مختلف در فضای دوقطبی کشور، هر یک دیگری را مسئول و ذی‌نفع تمرکز اقتدار می‌داند. این دورانی است که بدون تردید و بنا بر شواهد موجود، جنگ خودی و غیرخودی و فقدان مراعات اخلاق اجتماعی به میزان قابل تأملی در کشور وجود دارد و بنا بر نتایج حاصل از این پژوهش، تضعیف اخلاق اجتماعی در این دوره مانند سایر ادوار تاریخ اجتماعی به غیر از دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس در نتیجه تمرکز اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی و اقتدار مذهبی است. رابطه دیالکتیکی بین علت و معلول در این دوران به گونه‌ای است که تضعیف اخلاق اجتماعی میان طیف‌های فکری مختلف، سعی در ایجاد تمرکز اقتدار سیاسی، اقتصادی و مذهبی به نفع طیف فکری خودی دارد و برای این منظور، اغلب اهداف، ابزار و شیوه‌های به‌کارگیری آنها را توجیه می‌کنند.

درخصوص نتایج حاصل از این پژوهش ممکن است به نظر برسد، با همین روش و صرفاً با تأکید بر گزارش‌های دیگری از تاریخ ادوار اجتماعی مورد مطالعه می‌توان به نتایج متفاوت دیگری دست یافت، که مؤید یافته‌های حاصل از این پژوهش نباشد؛ یعنی نوعی تقلیل‌گرایی آگاهانه یا ناخودآگاه، فرهنگ دوره‌ای خاص از تاریخ اجتماعی ایران را - که در این پژوهش مطالعه شده - به خلیاتی فروکاسته باشد که به معنای جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی معرف اخلاق اجتماعی در آن دوره نباشد. این توجه خوبی است؛ اما برای دقیق‌تر شدن آن باید به این موضوع نیز توجه داشت که منطق استدلال استقرایی بر تکرار است و در مورد پدیده‌های اجتماعی و امور مربوط به انسان‌ها باید به تعبیر رضا فاضل به نقل از پیتر برگر، ملاحظه کرد: «واقعیت اجتماعی لایه‌های معنایی بی‌شماری دارد و کشف هر لایه درک مفهومی از همه لایه‌ها را دگرگون می‌کند» (برگر، ۱۳۹۳). بنابر این ملاحظه، مثلاً استفهام تمرکز اقتدار سیاسی در دوران سلطنت شاه اسماعیل با استناد به موارد قابل ملاحظه‌ای از تسلط قزلباشان، آدم‌سوزی، آدم‌خواری، تعقیب و آزار مخالفان سیاسی و مذهبی و ...، با شواهد معدودی از تفقد و رواداری، نقض نمی‌شود. البته به‌طور کلی میزان انصاف و مراعات اخلاق در طرح و تحلیل گزارش‌های تاریخی با تفکر معقول، عقلانیت انتقادی و سنجش سازواری و بی‌طرفی تفکرات، گزارش‌ها و تحلیل‌های پژوهش، ممکن است؛ و می‌تواند راهگشای پژوهش‌های آتی در مورد این موضوع باشد.



## منابع

- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۸). سیاست و اقتصاد عصر صفوی. تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- باوند، داود (۱۳۸۳). هم‌زیستی تساهل و سازگاری‌های نژادی و زبانی عناصر سه‌گانه هویت ملی. هویت ملی در ایران (مجموعه مقاله) به اهتمام داود میرمحمدی، تهران: تمدن ایرانی.
- براون، ادوارد (۱۳۱۶). تاریخ ادبیات ایران. جلد چهارم، ترجمه رشید یاسمی، تهران: ابن سینا.
- برگر، پیتر. ال (۱۳۹۳). دعوت به جامعه‌شناسی. ترجمه رضا فاضل، تهران: نشر ثالث.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱). تحول خودآگاهی و هویت‌های سیاسی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی. چاپ هفدهم، تهران: نشر نی.
- بیگدلی، علی (۱۳۸۳). سیر تحول و تکوین هویت ملی در ایران. هویت ملی در ایران (مجموعه مقاله) به اهتمام داود میرمحمدی، تهران: تمدن ایرانی.
- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن و عباس اقبال‌آشتیانی (۱۳۸۴). تاریخ ایران: از آغاز تا انقراض قاجاریه. تهران: باران اندیشه.
- تاریخ انقلاب اسلام، نسخه خطی در کتابخانه ملی ایران.
- تاریخ وقایع انتخابات هشتاد و هشت (۱۳۹۲). مجموعه ۳ جلدی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳). تاریخ ایران (از آغاز تا پایان صفویان). تهران: نشر علم.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی ایران: جامعه کژمدرن، تهران: نشر علم.
- جمال‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۴۵). خلیات ما ایرانیان. آلمان: انتشارات نوید.
- جهانگشای خاقان: تاریخ شاه اسماعیل (۱۳۶۴). به کوشش الله‌دا تا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی نظم. چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید.
- حقی، علی (۱۳۸۴). روش‌شناسی علوم تجربی (پژوهش تطبیقی، تاریخی، انتقادی). تهران: سعادت.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۷۷). تاریخ جنبش‌های مذهبی در ایران. جلد سوم و چهارم، تهران: کومش.
- حیدری، فاطمه (۱۳۸۹). تأثیر انقلاب اسلامی بر ارتقاء سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران سال‌های (۶۸ - ۱۳۵۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی: دانشکده علوم سیاسی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۳). تاریخ اجتماعی ایران. جلد ششم، بخش اول، تهران: امیر کبیر.
- رضاقلی، علی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نخبه‌کشی. چاپ سی و یکم، تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۵). آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی. چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رنانی، محسن (۱۳۸۴). بازار یا بازار؟ (بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران). چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- رنانی، محسن و رزیتا مؤیدفر (۱۳۹۰). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد (سرمایه اجتماعی و اقتصادی). تهران: طرح نو.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴). روزگاران ایران. مجموعه ۳ جلدی، تهران: نشر سخن.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۳). ما چگونه ما شدیم (ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران). تهران: روزنه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد اول: اصول و مبانی، چاپ شانزدهم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سپاه در گذر انقلاب: مجموعه اطلاعات، بیانیه، اخبار و ... سپاه (۱۳۸۹). جلد اول، تهران: معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۲). علم‌شناسی فلسفی: گفتارهایی در فلسفه علوم تجربی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۳). نقش زبان و ادبیات فارسی در شکل‌گیری هویت ملی. هویت ملی در ایران (مجموعه مقاله) به اهتمام داود میرمحمدی، تهران: تمدن ایرانی.

- سیوری، راجر (۱۳۶۳). ایران عصر صفویه. ترجمه احمد صبا، تهران: کتاب تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). با چراغ و آینه (در جست‌وجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران). تهران: سخن.
- صحیفه نور (۱۳۷۱). تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- عابدی، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی نقش رزمندگان دفاع مقدس در ارتقای اخلاق اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، واحد تهران - جنوب، گروه الهیات و معارف.
- غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی لویه (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی. چاپ هفتم، تهران: نشر لویه با همکاری نشر آگرا.
- غنی، سیروس (۱۳۷۷). ایران: برآمدن رضاخان، بر افتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها. ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.
- فاضلی، محمد (۱۳۹۲). نظام - جهان و بی‌ثباتی دموکراسی: مطالعه تطبیقی ایران، ترکیه و کره جنوبی از سال ۱۹۶۱ - ۱۹۴۱. مجله جامعه‌شناسی تاریخی (دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس)، دوره پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). ما ایرانیان: زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی. تهران: نشر نی.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۷۰). تاریخ فلسفه: از بنتام تا راسل. جلد هشتم، ترجمه بهاءالدین خرم‌شاهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاترینو زنو و دیگران (۱۳۴۹). سفرنامه‌های ونیزیان در ایران. ترجمه منوچهر امیری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- کولایی، الهه (۱۳۸۳). سیر هویت ملی در ایران. هویت در ایران (مجموعه مقاله)، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: دانشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- گلزاری، محمود (۱۳۸۹). فرمایگان بی‌خرد. ماهنامه سپیده دانایی، شماره ۳۵.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۶). بازآفرینی مفهوم ایران در دوره صفویه و رابطه آن با هویت ملی. فصلنامه مطالعات ملی، شماره پیاپی ۲۹، سال هشتم، شماره ۱.
- مدرس، علی (۱۳۷۴). مرد روزگاران. تهران: نشر هزاران.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۳). سخنرانی در نخستین شب از مراسم شب‌های قدر در حسینیه ارشاد، تیرماه ۱۳۹۳.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی شهر. چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۴). بررسی ریشه‌های هم‌گرایی بین اهل کتاب با سایر ایرانیان در دفاع مقدس. فصلنامه مطالعات ملی، شماره پیاپی ۲۲، سال ششم، شماره ۲.
- منصوری‌لاریجانی، اسماعیل و رضا شیرزادی (۱۳۸۳). بررسی جنگ‌های پانصد سال اخیر ایران و مقایسه با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. تهران: عروج نور.
- مهدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۱). قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن اخیر ایران. جلد اول، چاپ دوم، تهران: پاسارگاد.
- نادریور، بابک (۱۳۸۰). خرده‌فرهنگ‌ها، دولت مدرن پهلوی و توسعه‌یافتگی سیاسی. فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹.
- نجفی، موسی و موسی فقیه‌حقانی (۱۳۸۸). تاریخ تحولات سیاسی ایران: بررسی مؤلفه‌های دین، حاکمیت، مدنیت و تکوین دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران. چاپ ششم، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نوربخش گلپایگانی، سید مرتضی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی عمومی. تهران: بهینه.
- نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۲). شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی. جلد اول، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- هاشمی زوج‌آبادی و علی زارعی (۱۳۸۳). تعاملات تاریخی ایران و هند عصر صفوی. ایران‌زمین در گستره تاریخ صفویه (مجموعه مقاله) به اهتمام مقصود علی صادقی، تبریز: اسوه.
- هزازه‌ای، سید غلامرضا (۱۳۸۹). فرصتی که تهدید شد. ماهنامه فرهنگی - اجتماعی خیمه، شماره ۶۶.
- هلیدی، فرد (۱۳۵۸). دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران. ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیر کبیر.
- هینتس، والتر (۱۳۷۷). تشکیل دولت ملی در ایران (حکوت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی). ترجمه کیکاووس جهان‌داری، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- یوسفی، سید حسین (۱۳۷۸). بیانیه هشت‌ماده‌ای، اندیشه حکومت. نشریه کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی، مردادماه، شماره ۲.
- Bill, James, Alban. 1972. The Politics of Iran: Groups. Classes and Modernization. Columbus Ohio: Charlese. Merrill Publishing Co.
- Maxwell, J. A. 1996. Qualitative Research Design: An Interactive Approach. Thousand Oaks, CA: Sage.

- Strauss, A. and J. Corbin. 1998. Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. 2<sup>nd</sup>. Ed. Thousands Oaks: Sage.
- Weber, Max. 1976. The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism, translated by Talcott Parsons; introduction by Anthony Giddens, Charles Scribner's Sons, New York.
- Wilber, Donald. 1985. Iran Past and Present. Princeton University Press.

